

تحلیل و ارزیابی کاربردهای قرآنی جهاد ابتدایی از دیدگاه دو تفسیر «المنار» و «المیزان»

عبدالمحمد جعفری*
فتح‌الله نجارزادگان**
حامد دژآباد***

چکیده

موضوع جنگ آغازگرانه در اسلام، از دو جنبه حائز اهمیت است؛ از یک سو، دست‌آویزی برای گروه‌های افراطی شده است تا با ترویج خشونت، وجهه اسلام را مشوه سازند و از سوی دیگر، شبهاتی را به‌ویژه از سوی مستشرقان نسبت به اسلام موجب شده است تا حقانیت و موفقیت دین اسلام را با چالش مواجه می‌کنند. این مقاله به بررسی دو تفسیر متأخر و اثرگذار، یعنی *المیزان* و *المنار* در این باره پرداخته و به این نتیجه رسیده است که هر دو تفسیر، به‌نحوی قائل به پدیده جنگ آغازگرانه در اسلام هستند، ولی در عین حال، در پاسخ به شبهات، شروطی برای مصداق یافتن آن یاد کرده‌اند که ماهیت آن را به دفاعی بودن برگردانند. در نقد این دو رویکرد، با تتبع کاربردهای جهاد و قتال و مانند آنها در قرآن کریم، روشن می‌گردد که هر چند اصل، با جنگ آغازگرانه نبوده و در تبلیغ دین و گسترش حکومت توحیدی، اصل در مسالمت و پذیرش مردم است، ولی از آنجاکه مشروعیت حکومت از دیدگاه قرآن کریم، تنها از خداوند است و تنها حکم حق باید حاکم باشد، در صورت قدرت داشتن جامعه توحیدی و جبهه‌گیری سران کفر و طاغوت در برابر گسترش دین و تحقق حکومت توحیدی جهانی، جهاد ابتدایی نیز در اندیشه اسلامی، پیش‌بینی شده و چه‌بسا بتوان ماهیت آن را از دیدگاه انسانی، به جهاد دفاعی برگرداند.

واژه‌های کلیدی

جهاد، جهاد ابتدایی، المنار، المیزان، دین، دین حق.

بیان مسئله

مفسران شیعه و اهل سنت، در برداشت از آیات جهاد، درباره ماهیت دفاعی آن، اختلاف نظر ندارند، اما از مسائل مهمی که درباره جهاد مطرح است و طی قرون اخیر، بحث‌برانگیز بوده، این است که آیا آیات جهاد، ناظر به نوع ابتدایی آن نیز می‌باشد؟ یا اینکه جهاد مسلحانه علیه دشمنان، تنها دفاعی است؟ از سوی دیگر، پیدایش جریان‌های فکری سلفی یا شیعی تندرو و پدید آمدن جریان جدید افراط‌گرایی، به شبهات خشونت در اسلام، بیشتر دامن زده است؛ از این رو، بررسی تأثیر رویکرد هر یک از دو جریان سلفی و شیعی، نسبت به موضوع جهاد در اسلام و مطالعه تئوری هر کدام در این باره، ضروری است. برخی از گروه‌های افراطی نوپدید، مانند داعش، جهان را به «دار الاسلام» و «دار الکفر» تقسیم کرده و با مستمسک قراردادن نظرات تفسیری و غیرتفسیری در کتب عامه، به توجیه جنایات خود پرداخته‌اند. از این رو بحث جهاد ابتدایی، موضوع مهمی است که باید در تفاسیر فریقین، مورد ارزیابی قرار گیرد. تحلیل این مسئله از نظر تفاسیر شیعه و اهل سنت می‌تواند راهگشای بررسی این موضوع باشد. این بحث، تا حدودی در ۱۵۰ سال اخیر، دغدغه روشنفکران مسلمان و اصلاح‌گرایان بوده و در موارد متعددی، موجب زیر سؤال رفتن دیدگاه اسلامی شده است؛ برخی از اندیشمندان متأخر، جهاد ابتدایی یا تهاجمی را تنها برای دعوت و تبلیغ اسلام یا تأمین امنیت کشورهای اسلامی جایز می‌دانند یا آن را به جهاد دفاعی برمی‌گردانند؛^۱ برخی دیگر نیز، آن را مطلقاً واجب می‌دانند؛^۲ در این میان، شرط اذن امام معصوم علیه السلام مورد اختلاف است.^۳

از این رو، لازم به نظر آمد دو تفسیر معاصر از این دو جریان، برگزیده شود و محور بحث قرار گیرد تا با مقایسه و نقد این دو تفسیر، هدف پژوهش تأمین گردد. علامه طباطبایی و رشیدرضا از جمله کسانی هستند که به این موضوع پرداخته‌اند؛ از آنجاکه این دو اندیشمند مطرح، آراء اثرگذاری در اندیشه اسلامی معاصر داشته‌اند و از دو جریان فکری مختلف هستند، تحلیل دیدگاه این دو، درباره ماهیت جهاد، راه‌گشا است؛ به‌ویژه آنکه در پژوهش‌های مشابه، بررسی تطبیقی این دو دیدگاه، صورت نگرفته است. پیش از این، در پژوهشی مستقل، تحت عنوان «تحلیل و ارزیابی کاربردهای قرآنی جهاد از دیدگاه دو تفسیر المنار و المیزان»، ماهیت جهاد به صورت بنیادین، از دیدگاه این دو مفسر مورد بررسی و نقد قرار گرفته، اشتراک‌ها و تفاوت‌های این دو جریان فکری، ارزیابی شده و تعریف برگزیده از کاربردهای جهاد

۱. رشیدرضا، تفسیر القرآن الحکیم (المنار)، ج ۲، ص ۲۱۵ و ج ۱۰، ص ۲۷۹؛ طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۱۶۹ - ۱۶۷؛

قرضاوی، دانش‌نامه جهاد (فقه الجهاد)، ج ۱، ص ۹۶؛ نیز ر.ک: مطهری، جهاد و موارد مشروعیت آن در قرآن.

۲. صالحی نجف‌آبادی، شهید جاوید، ص ۱۱۰؛ فاضل لنکرانی، مشروعیت جهاد ابتدایی در قرآن، ص ۶۲

۳. طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۵، ص ۱۳؛ مفید، المقنعه، ص ۸۱۰

در قرآن کریم استخراج گردید. اکنون این مقاله، به موضوع جهاد ابتدایی با نگاه به این دو تفسیر، می‌پردازد تا تعریف برگزیده از جهاد ابتدایی در قرآن کریم به دست آید و در پژوهش بعدی، به نحوه مواجهه این دو اندیشمند اثرگذار، با شبهه خشونت در جهاد ابتدایی پرداخته شود.

مفهوم‌شناسی جهاد ابتدایی

«جهاد» مشتق از کلمه «جهد» و از باب «جهد یجهد» به معنای کوشش و نیز سختی و خستگی است؛^۱ از این ریشه، دو واژه «جهد و جهد»، به معنای توان و طاقت ساخته شده است؛ ولی از ریشه جهد یجهد جهداً، به معنای «صعب و اشتد» تنها اسم «جهد» به معنای مشقت و غایت در عربی آمده است؛ جهاد که از این ماده، به باب «فاعل یفاعل» رفته است، مصدر است و در لغت، به معنای به کار گرفتن نهایت تلاش و توان است؛ ولی به معنای «به کار گرفتن تمام تلاش در دفع دشمن و نبرد با او» نیز انتقال یافته است؛ البته این در صورتی است که به کسر جیم باشد؛ اما اگر به فتح آن باشد، به معنای زمین سخت و بی‌گیاهی است که چیزی در آن نمی‌روید.^۲

در اصطلاح شرعی نیز «جهاد» عبارت از بذل مال و جان، در راه اعلاهی کلمه الله و احیای شعائر دینی است.^۳ نویسندگان در مقاله‌ای مستقل،^۴ به بررسی مفهوم جهاد از دیدگاه قرآن کریم نیز پرداخته و ایستادگی تمام عیار برای دین‌داری و مبارزه همه‌جانبه در یاری دین و متولیان آن (خدا و رسول یا جانشین او) را نتیجه گرفته است.^۴

بنابراین جهاد ابتدایی که در مقابل جهاد دفاعی، به معنای جنگ و تهاجم غیر دفاعی یا آغازگرانه است و از آن، به قتال ابتدایی نیز تعبیر می‌شود، یکی از مصادیق جهاد به شمار می‌آید.

البته در قرآن کریم، افزون بر واژه جهاد، واژه‌های دیگری که پیوند معنایی با آن دارند، مانند: قتال، حرب، بغی، إرصاد^۵ آمده است که در بررسی مفهوم دقیق جهاد ابتدایی نقش دارند. واژه‌های حرب و غزوه،^۶ در اصل زبان عربی، معنایی مشترک دارند که همان قتال و جهاد و جنگیدن با دشمن است. واژه‌های یادشده، دارای اشتراک لغوی هستند؛ از این رو، لحاظ این اشتراک لغوی میان این واژه‌ها، در

۱. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۲، ص ۳۹۵.

۲. همان، ص ۳۹۷ - ۳۹۵.

۳. طریحی، *مجمع البحرین*، ج ۲، ص ۳۰.

۴. نجارزادگان و جعفری، *تحلیل و ارزیابی کاربری‌های جهاد از دیدگاه دو تفسیر المیزان و المنار*، ص ۲۵.

۵. نفر، ضرب یا خروج فی سبیل الله، مرابطة، إختان، أَسْر، عداوة، خداع، نفاق، سلم، صلح، أمن، إجارة، عهد، إلّ و ذمّة.

۶. جنگی که پیام بر خدا ﷺ شخصاً در آن حضور داشتند؛ در مقابل سرّیه؛ یعنی جنگی که ایشان در آن مشارکت نکردند.

مفهوم‌شناسی اصطلاح جهاد ابتدایی، ضروری است. حرب در قرآن کریم، به معنای قتال نیز آمده است.^۱ قتال نیز مشارکت در «قتل» و «جنگیدن با دشمن» است.

برای شناخت مفهوم و تعریف دقیق جهاد ابتدایی از دیدگاه قرآن کریم، این مقاله، ابتدا به برداشت دو تفسیر *المنار* و *المیزان* در این خصوص خواهد پرداخت؛ تا پس از ارزیابی دیدگاه‌ها، بر پایه مبانی قرآن پژوهی مطرح‌شده در پژوهش پیشین،^۲ تعریف برگزیده از دیدگاه قرآن کریم به دست آید.

تحلیل دیدگاه «المنار» از کاربست اصطلاح «جهاد ابتدایی» در قرآن کریم

رشیدرضا، با اشاره به نظرات گوناگون در تعریف «دار الاسلام»، آن را هر سرزمینی می‌داند که در دایره حکومت دین اسلام قرار گیرد و احکام و آیین‌هایش، در آنجا پیاده شود.^۳ بالتبع، «دار الحرب» را به هر جایی خارج از دار الاسلام اطلاق می‌کند که مردم آن، با مسلمانان دشمنی و ستیز داشته باشند.^۴

وی در فصلی که به تعریف جهاد، جنگ و شبیخون اختصاص داده است، سعی کرده تا تعریفی از جهاد ابتدایی ارائه کند؛ هرچند، موفقیت‌چندانی نداشته و بیان روشنی ارائه نداده است. ایشان، با استناد به آیه ۷۲ سوره انفال،^۵ بر این باور است که جهاد ابتدایی و قتال با مشرکان در اسلام، برای ریشه کن کردن بت‌پرستی از طریق دعوت به توحید، تشریح شده است؛ از این‌رو، چنان چه در خارج از حکومت اسلامی، کسی برای حفظ دین خود، از مسلمانان یاری بطلبد، برای نجات او، جهاد واجب می‌شود؛ مگر آنکه در سرزمینی باشد که میان حکومت اسلامی و حاکم آن سرزمین، پیمانی منعقد شده باشد. رشیدرضا، تکلیف این حالت و نیز تناقض میان «هدف ریشه کن کردن بت‌پرستی» با «جواز پیمان بستن با مشرکان» را روشن نکرده است. البته در جایی، جواز بستن پیمان را محدود به ضرورت و مصلحت شمرده و در حالت اقتدار نظام اسلامی، این ضرورت را منتفی می‌داند؛ بنابراین، یاری نکردن مسلمان گرفتار در این فرض راه، از باب ناچاری و بسته بودن دست حکومت اسلامی روا می‌داند.^۶

ایشان، قتال را نیاز ضروری در برابر کسانی می‌داند که سر جنگ دارند یا آزادی مسلمانان را در معرض

۱. مائده / ۶۵؛ انفال / ۵۷؛ محمد ﷺ / ۴.

۲. نجارزادگان و جعفری، همان.

۳. رشید رضا، تفسیر القرآن الحکیم (المنار)، ج ۱۰، ص ۲۷۷.

۴. همان، ص ۲۷۷.

۵. وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ؛ و چنان‌چه (مسلمانان) از شما در دین، یاری خواستند، یاری دادن بر شما واجب است؛ مگر آنکه بر علیه گروهی باشد که میان شما و ایشان، پیمانی باشد.

۶. رشیدرضا، تفسیر القرآن الحکیم (المنار)، ج ۱۰، ص ۲۶۹.

تهدید قرار می‌دهند؛ ولی این جهاد، مقید به همین دو قید است.^۱ از همین رو، فتنه را در آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» و با آنها بجنگید تا توطئه برای گمراه کردن در کار نباشد،^۲ به معنای فتنه در حرم و آزار و شکنجه و اخراج مؤمنان می‌داند؛ نه به معنای شرک که ناظر به جهاد ابتدایی به طور مطلق باشد.^۳ بنابراین، از نظر ایشان، معیار در عدم وجوب جهاد، این است که دشمنان، توانی برای فتنه‌انگیزی و آزاررسانی به دین‌گرایان نداشته باشند و مانعی علنی در برابر دین و دعوت به سوی آن، به شمار نیایند.^۴

به باور رشیدرضا، جهاد قتالی در راه خدا، تنها برای اعلاهی «کلمة الله» و تدارک امنیت برای دین خدا و گسترش دعوت به آن نیست؛ بلکه شامل دفاع از میهن یا حتی استقلال مسلمانان نیز هست؛ هرچند هدف دشمن، فتنه در دینشان نباشد. از نظر ایشان گاه، جنگ آغازگرانه، در مقابل دشمنی که با توان خود، کمر به تضعیف استقلال جامعه اسلامی نیز بسته باشد، چه به صورت قتالی یا غیر قتالی، ضروری است؛^۵ از همین رو، مقدمات این نوع جهاد نیز، از جنس همان است و مبارزه آغازگرانه در حیطه‌های دیگر، از اقسام جهاد ابتدایی است؛ هرچند قتالی نباشد،^۶ از این رو جهاد مالی از مقدمات جهاد تهاجمی است.^۷

جهاد دفاعی، از دید رشیدرضا، واجب عینی است^۸ ولی جهاد ابتدایی، واجبی کفایی است. جهاد دفاعی، در زمان تجاوز دشمن به سرزمین مسلمانان است.^۹ قتال به معنای جهاد ابتدایی، در ماه‌های حرام، ممنوع و حرام است؛ ولی قتال دفاعی در این ماه‌ها جائز بوده و در هر دو صورت، عبادت به شمار می‌آید.^{۱۰}

از نگاه تفسیری رشیدرضا، حکم جهاد قتالی متوجه گروه است؛ نه آحاد.^{۱۱} انبوه‌سازی ابزار جهاد، برای بازدارندگی است و تنها در مورد دشمن شناخته شده نیست؛ تا تحقق هم ترازوی، کافی باشد؛ بلکه فلسفه آن، دشمنان ناشناخته را نیز در بر می‌گیرد؛ بنابراین، تهیه روزافزون این ابزار در حدّ توان، مصداق «وَأَعِدُّوا لَهُمْ

۱. همان، ج ۱، ص ۹۱.

۲. بقره / ۱۹۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۶۹.

۴. همان، ص ۱۷۰.

۵. همان، ص ۳۶۵.

۶. همان، ص ۳۶۶.

۷. همان، ص ۱۷۱.

۸. همان، ص ۲۰۳.

۹. همان، ص ۲۴۸.

۱۰. همان، ص ۱۶۲.

۱۱. همان، ج ۱۰، ص ۷۱.

مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ و هر آنچه از نیرو در توان داشتید، برای آنها (دشمنان) فراهم آورید^۱ خواهد بود.^۲ هر چند از نظر اسلام، کشتار جمعی روا نیست؛ ولی به مقتضای مقابله به مثل مصرح در قرآن کریم، در جنگ و جهاد با کفار، لازم است از وسایل جنگی هم‌تراز با وسایل دشمنان بهره گرفته شود؛ از همین رو «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»، شامل هر جنگ‌افزاری است که برای مقابله با دشمنان، لازم باشد.^۳ به باور صاحب المنار، به مصداق کریمه «فَاعْتَدُوا عَلَيْهِمْ مِمَّا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ»؛^۴ پس همان‌گونه که بر شما به ستیز، دست‌اندازی کرد، دست‌اندازی‌اش را سزا دهید» سلاح کشتار جمعی در مقابله به مثل با دشمن، جایز است^۵ و گرنه، هلاکت به بار خواهد آمد.^۶

وی به این مطلب نیز اشاره می‌کند که فقها، بر وجوب پیروی از حاکم چیره و جهاد در کنار او و اینکه پیروی از او، بهتر از شورش بر اوست، فتوا داده‌اند؛ زیرا در این کار، خون‌ها حفظ می‌شود و ناآرامی برطرف می‌گردد. از نظر او، این قاعده، استثنایی ندارد؛ مگر آنکه کفر روشنی از آن حاکم، صادر شود که در این صورت، پیروی از او روا نبوده و شورش بر او برای کسی که توانایی دارد، واجب می‌شود.^۷

برداشت رشیدرضا از آیات قرآنی این است که منافقان، موضوع جهاد قتالی نیستند؛ مگر آنکه کفر حاکمی از ارتداد، اظهار نمایند یا با زور، بر گروهی از مسلمانان ستم کنند یا اینکه از اقامه شعائر دینی سر باز زنند.^۸ وی در برداشت خود از تعریف اصطلاحی جهاد قتالی، بر پایه آیات قرآنی، آن را برای پشتیبانی از آزادی دین و جلوگیری از شیخون‌های مشرکان، پاک کردن زمین از تباهی و فساد، برپاداشتن ستون‌های حق و اصلاح‌گری می‌داند.^۹ جهاد در راه خدا، برای احقاق و دفاع از حق، احیای «کلمة الله»، ابطال باطل و برپاشدن عدالت، بستن دست ستمگران و امر به معروف و نهی از منکر است^{۱۰} و فایده آن، دفاع از حق یا حقیقت است.^{۱۱} جهاد قتالی، برای دفاع از امت و حفظ حقوق آن است و از جوهره دین

۱. انفال / ۶۰.

۲. همان، ص ۵۶.

۳. همان، ص ۵۴.

۴. بقره / ۱۹۴.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۷۱.

۶. همان، ص ۱۷۲.

۷. همان، ۱۲۲، ص ۱۵۲.

۸. همان، ج ۱۰، ص ۴۷۳ و ج ۱۱، ص ۱۱۴.

۹. همان، ج ۵، ص ۲۸۶.

۱۰. همان، ج ۸، ص ۲۱۵ و ج ۱۰، ص ۴۹۳.

۱۱. همان، ج ۲، ص ۳۶۲.

نیست بلکه امری ضروری و سیاسی، برای آسودگی از فتنه در دین است.^۱
وی ثمرات جهاد قتالی را، افتخار پیروزی، محو کفر، ریشه‌کن کردن درخت شرک، اعلائی کلمه الله، برپایی حق و عدل با پیاده شدن دین الهی، بهره‌مندی از غنایم و سروری در زمین، همراه با سعادت آخروی می‌شمارد.^۲ افزون بر اینکه پیامبر اکرم ﷺ آن را سیاحت امت خویش شمرده است.^۳

تحلیل دیدگاه المیزان از کاربست «جهاد ابتدایی» در قرآن کریم

علامه طباطبایی در تعریف جهاد ابتدایی، به استناد تفسیر *الدرّ المشور*، به نقل از ابن عساکر از ابی‌امامه، این سخن پیامبر را یادآور می‌شود: جنگ دو گونه است: جنگ با مشرکان [و اهل کتاب] تا ایمان بیاورند یا اینکه جزیه را با دست خود و به تسلیم، بپردازند و دیگری، جنگ با گروه سرکش است تا اینکه به فرمان الهی بازگردند و چون بازگشت، به عدل و مساوات با او رفتار شود.^۴

وی در استدلال برای مشروعیت جهاد ابتدایی (قتالی)، خاطر نشان می‌کند که «استخلاف در زمین»، به معنای از بین رفتن گروهی از مردم است و این امر، جز با دعوت به جهاد و قتال، محقق نمی‌شود؛ بنابراین آیه ۵۵ سوره نور،^۵ اشاره به جهاد ابتدایی برای محو شرک از روی زمین دارد.^۶ وی همچنین استدلال دیگری در این زمینه یادآور می‌شود که تهدید حضرت سلیمان با عبارت «فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ جِجُودٌ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا»^۷ پس به راستی، با گماشتگانی در پی‌شان خواهیم آمد که توانی در برابرشان نخواهند داشت»، نمی‌تواند گویای مطالبی جز جنگ و جهاد ابتدایی در پی دعوتی ابتدایی باشد.^۸

ایشان در ترسیم مشروعیت جهاد ابتدایی (قتالی)، بر این باورست که دعوت به دین توحید، راهبرد دین است و همین راهبرد، جهاد، جنگ ابتدایی و آغازگرانه، امر به معروف و نهی از منکر و نیز سایر

۱. همان، ص ۳۷۷.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۵۰۳.

۳. *إنَّ سِيَاحَةَ أُمَّتِي الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ*. (همان، ج ۱۱، ص ۴۴)

۴. طباطبایی، *المیزان*، ج ۹، ص ۲۵۳.

۵. *وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ...* خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است تا همان‌گونه که پیشینیان آنها را جانشین خود کرد، ایشان را نیز در زمین، جانشین خود کند و دینشان را که برایشان پسندیده است، نیرومند سازد و پس از ترسی که داشتند، به جایش امنیتی به ایشان دهد ...

۶. طباطبایی، *المیزان*، ج ۲، ص ۶۷

۷. نمل / ۳۷.

۸. همان، ص ۶۹

روش‌های دعوت و بیم‌رسانی را به‌دنبال دارد تا ریشه اختلاف در نوع بشری، با دعوت عمومی برچیده شود.^۱ برداشت وی از دیدگاه قرآن درباره جهاد ابتدایی، جنگیدن با کسانی است که به نشانه‌ها و استدلال‌ها، تسلیم نمی‌شوند و در مسیر دعوت به حق، سدّ و مانع ایجاد می‌کنند؛^۲ از این رو، در بیانی نزدیک به نظر صاحب *المنار*، جهاد را بالاترین مصداق امر به معروف و نهی از منکر به شمار آورده،^۳ آن را جنگیدن با دشمنان خدا برای پاک کردن زمین از پلیدی وجودشان تعریف می‌کند.^۴ از دید ایشان، جهاد ابتدایی، دفاع از حقّ انسانیت و توحید است^۵ و آن را واجبی کفایی می‌داند.^۶

برای تنقیح و توضیح اصطلاح جهاد ابتدایی در قرآن مجید از دیدگاه علامه و رشیدرضا، از نظرات دو تن از اندیشمندان اسلامی؛ یعنی وهبة الزحیلی و آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای بهره می‌گیریم. جهاد قتالی در اسلام از نگاه وهبة الزحیلی، تنها در صورت اقدام دشمن به جنگ، به کار گرفته می‌شود و انگیزه آن، پاسخ به تجاوز، حمایت از مسلمانان یا از بین بردن ستم حاکمانی است که در مسیر دعوت اسلامی مانع می‌شوند؛ تا اینکه فتنه در دین، ریشه‌کن شود و سخن خدا و سخن حق، برتری یافته، بر همه اصول عدالت و خیر و فضیلت حاکم شود؛ از آن رو که اسلام در واقع، مأموریت اصلاح‌گرانه بزرگی است که گزیری از آن نیست و به سود بشریت است.^۷ بنابراین، در بیانی کوتاه، «جهاد قتالی، ابزاری در دست ولی امر مسلمین، برای پشتیبانی از گسترش دعوت یا دفاع از مسلمانان است».^۸

زحیلی، برخلاف جریان سلفی مخالف که اصل را در اسلام جنگ می‌داند، جوهره شریعت اسلامی را صلح و مهربانی همه‌گیر می‌داند و جنگ در برداشت او، با توجه به این چشم‌انداز در پیاده شدن صلح، ضرورتی اجتماعی برای حفظ و پشتیبانی از تحقّق صلح است؛ اما این امر، پس از فراهم شدن آزادی دینی و حکومت عدل بشری فراهم می‌شود. بنابراین، اسلام دینی است که در همراهی با قانون تنازع بقا (تقابل هواپرستی‌ها و تعارض منافع) واقع بین است و از واقعیت نمی‌گریزد.^۹

اما از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای در اندیشه اسلامی، تلاش‌هایی مشهود است که حاکی از اولویت «آغازگر

۱. همان، ص ۴۶۶؛ نیز ر.ک: مطهری، *جهاد و موارد مشروعیت آن در قرآن*، ص ۴۲.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۶۳۱۶۵؛ نیز ر.ک: مطهری، همان، ص ۴۸.

۳. طباطبایی، همان، ج ۸، ص ۲۸۱.

۴. همان، ج ۴، ص ۴۱۶.

۵. همان، ج ۲، ص ۶؛ نیز ر.ک: مطهری، همان، ص ۴۰ و ۴۳.

۶. طباطبایی، همان، ج ۹، ص ۴۰۴.

۷. زحیلی، *آثار الحرب (دراسة فقهية مقارنة)*، ص ۵۰.

۸. همان، ص ۱۱۸.

۹. همان، ص ۱۲۹.

نبودن در جنگ یا پایان دادن به آن» است؛ از جمله این تلاش‌ها، می‌توان به امان دادن به کافران در حال جنگ یا سزاوار محاربه، برای شنیدن حقیقت و منطق اسلام اشاره کرد؛ تا در حد امکان، از برافروخته شدن آتش جنگ، جلوگیری شده یا به آن پایان داده شود یا اینکه شرایط ترس و درماندگی روانی و خطرات و پیامدهای ناشی از جنگ، برطرف گردد.

همچنین، سازوکار صلح (آتش بس) موقت، میان حکومت اسلامی و حکومت در حال جنگ و دشمنی، به صلاحدید ولی امر مسلمین و بنا بر توافق دست‌اندرکاران جنگ، به منظور تحقق مصالح مهم‌تر و جلوگیری از پیامدهای منفی، یکی از تلاش‌های پیش‌بینی شده دیگر در اندیشه اسلامی، برای پایان دادن به جنگ است.

ذمه، سازوکار دیگری برای حفاظت از جان، ناموس و دارایی غیر مسلمانان است که پس از شکست یا تسلیم شدن حکومت غیر شرعی در جنگ، پیاده می‌شود و رعایای حکومت کافر (اهل کتابی) شکست خورده، با حفظ دیانت خود، در حکم شهروندان حکومت اسلامی خواهند بود. این سازوکار، شامل مسیحیان، یهودیان، زردشتیان (بنا بر نظر برخی فقها) و صابئه به فتوای ایشان است.^۱

ارزیابی دیدگاه‌ها

پیش از ارزیابی دیدگاه‌ها لازم است دیدگاه هریک از دو تفسیر را درباره ترتیب نزول آیات قتال و جهاد قتالی و نیز ناسخ و منسوخ آنها بررسی شود، تا پس از ارزیابی آنها، به تعریف برگزیده از «جهاد ابتدایی» از دیدگاه قرآن کریم دست یافت.

۱. بررسی نظریه نسخ در آیات جهاد قتالی از دیدگاه علامه طباطبایی و رشیدرضا

از جمله مواردی که در تفسیر آیات جهاد و قتال، سبب اختلاف نظر مفسران شده است، دیدگاه ایشان در مسئله شأن نزول آیات، ناسخ و منسوخ و در پی آن، آیات ناسخ در موضوع جهاد می‌باشد؛ هرچند دو تفسیر موضوع این پژوهش، در بیشتر موارد اتفاق نظر دارند.

از دیدگاه هر دو تفسیر، قتال، پیش از هجرت ممنوع بود؛ ولی پس از آن، ابتدا با نزول آیه ۳۹ سوره حج، نسبت به آن اجازه داده شد: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ يَأْتِيهِمْ ظُلْمًا؛ کارزار برای کسانی که به آن واداشته می‌شوند، از آن‌رو که به آنان ستم رفته است، روا داشته (دانسته) شده است» و سپس در سال دوم هجرت، با نزول آیه ۲۱۶ سوره بقره، واجب گردید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ؛ کارزار بر شما بایسته گردید»؛^۲

۱. خامنه‌ای، ثلاث رسائل فی الجهاد (الأمان و الصابنه و المهادنة)، ص.

۲. رشید رضا، تفسیر القرآن الحکیم (المنار)، ج ۱، ص ۱۰۰ و ج ۲، ص ۲۴۸؛ طباطبایی، المیزان، ج ۱۴، ص ۳۸۳.

هرچند از ابن عمر و عطاء نقل شده است که مقصود از آیه، چنین است که جهاد بر مؤمنان واجب نبوده و وجوب آن، تنها متوجه صحابه بوده است.^۱ از نظر علامه طباطبایی، سوره حج، بین هجرت و غزوه بدر نازل شده است^۲ و آیه قتال در این سوره، در مورد قتال با مشرکان مکه است و ممکن است درباره قتال در جنگ بدر بوده باشد.^۳

البته شایان یادآوری است که هیچ منافاتی میان اینکه «اُذِن» در آیه حج به معنای اخبار از اِذْنِ قَبْلِی برای جهاد باشد، با این مطلب که نخستین اِذْنِ جِهَاد، بین هجرت پیامبر و غزوه بدر صادر شده باشد، نیست؛ چنان که هیچ منافاتی میان نزول عمده یا بخشی از سوره حج در این برهه و نزول برخی آیات، پس از فتح مکه، با این مطلب نیست که «اُذِن» در این سوره، به معنای نخستین تشریح جهاد باشد یا بالعکس، آیه اِذْن، در برهه یادشده فرود آمده ولی عمده سوره، پس از فتح مکه نازل شده باشد و این احتمالات با داده‌های روایات صحیح یا ضعیف نیز منافاتی ندارد.^۴

به نظر صاحب المنار، آیات انفال در مورد غزوه بدر کبری، آیات آل عمران، در مورد غزوه اُحُد و آیات سوره براءت، در مورد نقض عهد از سوی مشرکان است.^۵ علامه طباطبایی نیز در رویکردی مانند رشیدرضا، ترتیب نزول آیات جهاد را ابتدا با ابلاغ حکم جهاد و سپس با بیان تدریجی مراتب آن، برمی‌شمارد؛ از نظر وی، کلیات جهاد و امر به آن، در آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ»،^۶ سپس امر به برخی از جزئیات آن، در آیات غزوه بدر آمده، سپس در آیات غزوه اُحُد و موارد بعدی، به تدریج گسترش یافته است.^۷

صاحب المنار در اینکه قتال در سوره توبه، عام‌تر از موارد قبلی آیات جهاد نازل شده است، با علامه هم‌نظر است.^۸ علامه در این باره یادآور شده است که آیه ۵ و ۳۶ توبه، در مورد قتال با عموم مشرکان است و آیه ۱۲۳ توبه در مورد قتال با مطلق کفار است.^۹

از نظر رشیدرضا، آیات جهاد در سوره بقره (۱۹۰ به بعد) متصل به ما قبل؛ یعنی موضوع حج است؛ بنابراین، سیاق آیات، جهاد دفاعی و اِذْنِ در قتال را می‌رساند که تنها به منظور مقابله با مزاحمت

۱. رشید رضا، همان، ج ۲، ص ۲۴۸.

۲. طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۳۳۸؛ ج ۱۴، ص ۳۹۵.

۳. همان، ج ۲، ص ۶۵.

۴. ر.ک: یوسفی غروی، موسوعة التاريخ الإسلامی، ج ۳، ص ۳۷۰ - ۳۶۴.

۵. رشید رضا، تفسیر القرآن الحکیم (المنار)، ج ۲، ص ۱۷۳.

۶. بقره / ۲۱۶.

۷. طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۱۹.

۸. رشید رضا، همان، ج ۱، ص ۶۴.

۹. طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۶۵.

مشرکان برای اقامه حج نازل شده است.^۱

علامه طباطبایی، در تفسیر آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵، شأن نزول این آیات را، نخستین اذن از سوی پروردگار برای جنگ ابتدایی با مشرکان می‌داند. دلیل خود را نیز وجود تعریض در این آیات، به مسئله اخراج مؤمنان از مکه و مسئله فتنه، قصاص و نهی از جنگیدن پیرامون مسجد الحرام دانسته است؛ در عین حال، اگر در مسجد الحرام نیز با آنان بجنگند، جنگیدن با آنها، مجاز شمرده شده است؛ بنابراین، اذن جنگیدن، مشروط به آغازگری مشرکان نیست؛ بلکه مقابله مطرح در آیه، برای بیان حال و صفت کسانی است که شأنشان جنگیدن با مؤمنان باشد؛ بنابراین، اجازه‌ای برای قتال ابتدایی است که مقید به شرطی نیست؛^۲ در حالی که **المنار**، نزول این آیات را مربوط به صلح حدیبیه و مُحرمین در ماه‌های حرام می‌داند و هدف از آنها را، دادن اذن دفاع به حاجیان، در صورت تعرض مشرکان می‌شمارد.^۳

تفسیر **المنار**، در پاسخ به کسانی از جمله سیوطی که برخی آیات جهاد را ناسخ می‌دانند، از قول عبده (استادش)، نسخ را رد کرده، ذیل تفسیر آیه ۱۹۰ سوره بقره «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا...» و با کسانی که با شما کارزار می‌کنند، کارزار کنید و دست‌اندازی نکنید»، منسوخ شدن آن را توسط آیه بعدی «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأُخْرَجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفَتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ...» و هر جا بر آنان دست یافتید آنها را بکشید و از جایی که شما را بیرون راندند، بیرون برانید و گمراه کردن سخت‌تر از کشتن است» نادرست می‌داند. دلیل نظر خود را نیز، وحدت سیاق آیات و ناظر بودن آنها به شأن نزولی واحد برمی‌شمارد.^۴

از نظر وی، آیات جهاد در سوره بقره (۱۹۰ به بعد)، یک‌جا نازل شده و شأن نزول واحدی دارد؛ بنابراین، معنا ندارد که آیه سیف «فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ»^۵ پس مشرکان را هر جا یافتید، بکشید» آیات پیش از خود را نسخ کرده باشد و کسانی که قائل به این نسخ شده‌اند، مشروط بودن جنگ به اعتدای مشرکان، در نظرشان گران آمده است.^۶

از دیدگاه علامه، آیه «قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً»^۷ با همه مشرکان بجنگید» نه ناسخ آیه جزیه (۲۹ توبه)

۱. رشید رضا، همان، ج ۲، ص ۱۶۸.

۲. طباطبایی، همان، ص ۸۷.

۳. رشید رضا، همان، ج ۲، ص ۱۴۷.

۴. همان، ص ۱۶۹.

۵. توبه / ۵.

۶. همان و ج ۱۱، ص ۹۴.

۷. توبه / ۳۶.

است و نه با آن تخصیص یا قید می‌خورد؛ زیرا آیه جزیه «فَاتْلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ»^۱ با کسانی از اهل کتاب که به خداوند و روز واپسین باورمند نیستند (ایمان نمی‌آورند) و آنچه را خداوند و فرستاده‌اش ناروا می‌دانند، ناروا نمی‌شمارند و به فرمان حق گردن نمی‌نهند، بجنگید»، در مورد قتال با اهل کتاب است.^۲

هر دو مفسر، آیه ۳۹ انفال را در مورد قتال با مشرکان مکّه می‌دانند؛ ولی صاحب *المنار*، فتنه را در این آیه، به معنای آزار، شکنجه و مزاحمت برای دیانت شخص، تفسیر می‌کند و علامه آن را به معنای شرک می‌داند که وجوب جهاد ابتدایی را می‌رساند.^۳

علامه، آیه سیف «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ»^۴ پس مشرکان را هر جا یافتید، بکشید» را ناسخ آیه سوره محمد «حَتَّىٰ إِذَا أَتَخْتَمُّوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَأْتًا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً»^۵ تا آن گاه که آنان را ناتوان ساختید (از پای درآوردید)، پس بند [بندیان] را سخت ببندید؛ آن گاه یا بزرگی می‌کنید یا تاوان می‌دهند» نمی‌داند؛ زیرا آمدن عام بعد از خاص، ناسخ آن نیست؛ بلکه مخصّص است.^۶ همچنین، آیه جزیه را ناسخ آیه ۱۹۳ بقره نمی‌داند؛ چون از نظر او، آیه ی ۱۹۳ ویژه مشرکان است.^۷

رشیدرضا، آیه سیف را ناسخ آیه عفو «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ»^۸ نمی‌داند؛ به این دلیل که آیه عفو، از ابتدا محدود به زمان شده است.^۹ ولی علامه طباطبایی، این مورد را مصداق نسخ می‌داند؛ از آن رو که نسخ، آن گونه که فقیهان تعریف کرده‌اند، آشکار کردن سرآمد اعتبار حکم و به سر رسیدن آن است.^{۱۰}

اکنون چنان چه کاربست واژه قتال در قرآن کریم، جست‌وجو شود، کاربست آن از ابتدای عهد مدنی و عام و مطلق یافت خواهد شد و همان گونه که واژه جهاد، کافران، منافقان و دشمنان خارجی و داخلی (باغیان) را به عنوان موانع آن، در بر می‌گرفت، واژه قتال نیز چنین است و هر چه کاربست آن، به اواخر

۱. توبه / ۲۹.

۲. طباطبایی، *المیزان*، ج ۹، ص ۲۷۰.۳. رشید رضا، *تفسیر القرآن الحکیم (المنار)*، ج ۹، ص ۵۵۳؛ طباطبایی، *المیزان*، ج ۲، ص ۶۵.

۴. توبه / ۵.

۵. محمد / ۴.

۶. همان، ج ۱۸، ص ۲۲۶.

۷. همان، ج ۲، ص ۶۲.

۸. بقره / ۱۰۹.

۹. رشید رضا، *تفسیر القرآن الحکیم (المنار)*، ج ۱۰، ص ۱۵۰.۱۰. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱، ص ۲۵۲ و ج ۲، ص ۶۵.

عهد مدنی نزدیک‌تر می‌شود، عمومیت و شمول بیشتری می‌یابد.^۱ واژه‌های دفاع، حرب، ضرب فی الأرض و ... نیز چنین است.

هرچند، تا سال هشتم هجری و نزول سوره توبه و آیه سیف، قتال آغازگرانه، به صراحت در قرآن نیامده بود؛ ولی از ابتدای عهد مدنی و نزول سوره بقره، زمینه آن فراهم شده بود. در اینجا برای مشخص شدن تعریف دقیق جهاد ابتدایی، لازم است به بررسی غایت جهاد ابتدایی و مصادیق آن از دیدگاه قرآن کریم پرداخته شود.

از نظر صاحب المنار، معنای فتنه در آیه، شرک در مقابل دین نیست؛ بلکه به معنای فتنه در حرم و آزار و شکنجه و تبعید است،^۲ ولی از دید علامه، فتنه در گفتار این آیات (۱۹۰ - ۱۹۱ سوره بقره)، شرک بت‌پرستی است؛ چنان‌که مشرکان مکه به آن می‌پرداختند و دیگران را به آن وادار می‌ساختند؛ دلیل این معنا، عبارت «و یكون الدين لله» است؛ همان‌گونه که در سوره انفال، آیه ۳۹؛ «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» تکرار شده است.

علامه در ادامه، فلسفه قتال را، «تنها برای خدا بودن دین» یاد می‌کند و بر اساس این برداشت، لازمه جنگی را که چنین هدفی دارد، چنین می‌داند که پس از «دعوت» و «بینش‌افزایی» نسبت به دین توحیدی رخ دهد. سپس بر همین اساس، آیه جزیه (۳۰ توبه) را به درستی، ناسخ این آیه نمی‌داند؛ با این توجه که دین اهل کتاب، برای خدا است؛ بنابراین، آیه ۱۹۳ بقره، از نظر ایشان، ویژه مشرکان است و اهل کتاب را در بر نمی‌گیرد.^۳

چنان‌که روشن است، علامه دین را در این آیه به معنای شریعت برداشت کرده است؛ درحالی‌که خود در دو سطر بعدی یادآور می‌شود که اگر مشرکان دعوت را نپذیرفتند، ولایت جز برای خداوند نیست؛ افزون بر اینکه، «بودن دین تنها برای خدا»، با مفهوم حکم سازگار است، نه با مفهوم شریعت. به این ترتیب، شبهه نسخ آیه ۱۹۳ با آیه ۳۰ توبه پیش نمی‌آید؛ تا لازم باشد برای رد آن به استدلال متوسل شویم؛ زیرا، آیه جزیه، لزوم سرفرود آوردن اهل کتاب برای حکومت الهی مبتنی بر دین خالص توحیدی اسلام را در نظر دارد و هر دو آیه، یک مفهوم را می‌رسانند. به‌ویژه اینکه، علامه به استناد آیه پیش از آیه جزیه (۲۹)، به این نکته نیز توجه می‌دهد که باورهای آنها، در حقیقت کفر است.^۴

۱. بقره / ۱۹۳ - ۱۹۱ و ۲۱۷ - ۲۱۶ و ۲۵۱ - ۲۲۴؛ انفال / ۳۹ و ۶۵؛ نساء / ۸۹ و ۹۱؛ حج / ۴۱ - ۳۸؛ حجرات / ۹؛ توبه / ۵ و ۳۶ و ۱۲۳.

۲. رشید رضا، همان، ج ۲، ص ۱۶۹.

۳. طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۶۲.

۴. ر.ک: همان ص ۶۳.

از آنجاکه میان رشیدرضا و علامه شاهد اختلاف نظر در معنای «فتنه» بودیم، لازم است کاربردهای فتنه را در قرآن کریم بررسی کرده به معنای مقصود در این آیات، دست یابیم. استقرای کاربردهای واژه فتنه در قرآن کریم، نشان می‌دهد که «فتنه» از میان مدالیل متعدّد آن، در سه مدلول به کار رفته است و در هر کاربردها، با توجه به قرائن، یکی از این سه مدلول، معنی و مورد نظر خداوند بوده است.

در مواردی مانند «وَحَسِبُوا أَنْ لَآتِيَهُمْ فِتْنَةٌ» و گمان کردند که آزمودنی در کار نیست، فتنه به معنای آزمودن به کار رفته است؛ همچنین در آیات أنعام / ۵۳؛ أنفال / ۲۸؛ إسرائ / ۶۰؛ طه / ۴۰ و ۸۵ و ۱۳۱؛ انبیاء / ۳۵ و ۱۱۱؛ فرقان / ۲۰؛ عنکبوت / ۳۲؛ ص / ۲۴ و ۳۴؛ زمر / ۴۹؛ دخان / ۱۷؛ قمر / ۲۷؛ تغابن / ۱۵ و جن / ۱۷ به همین معنا آمده است.

در برخی آیات دیگر، به معنای گرفتاری و شکنجه (عذاب) کاربردها داشته است؛ آیاتی مانند: «إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا!» چنانچه بیم کردید که ناباوران شما را گرفتار سازند» و نیز آیات ذیل: اعراف / ۱۵۵؛ توبه / ۴۹؛ یونس / ۸۵؛ نحل / ۱۱۰؛ حج / ۱۱؛ نور / ۶۳؛ عنکبوت / ۱۰؛ صافات / ۶۳؛ ذاریات / ۱۳ و ۱۴؛ ممتحنه / ۵؛ قلم / ۶؛ مدثر / ۳۱ و بروج / ۱۰.

در سایر موارد کاربردها این واژه، معنای توطئه برای گمراه کردن مقصود بوده است؛ آیاتی مانند: «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ؛^۲ پس آنان که در دل‌هایشان ناراستی است، در پی گمراه‌سازی از وحی، از آنکه همانند [آیات استوار] است پیروی می‌کنند» و سایر کاربردهای این واژه در قرآن؛ از جمله آیات ۱۹۳ و ۲۱۷ سوره بقره و ۳۹ سوره أنفال. دلیل متعین بودن معنای گمراه کردن در این موارد، از میان معانی دیگر، آن است که در آیه ۲۱۷ سوره بقره فرمود:

قُلْ قَاتِلْ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ
وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا.

بگو در آن کشتاری بزرگ و بازداشتن از راه خداوند و ناباوری نسبت به او و بازداشتن از مسجد الحرام است و بیرون راندن مردمانش از آن، نزد خداوند، بسیار بزرگتر است و فتنه (توطئه برای گمراه کردن) از کشتن بزرگتر است و همچنان با شما خواهند جنگید تا اگر بتوانند، شما را از دینتان برگردانند.

روشن است که اگر فتنه در این آیه و دو مورد مشابه دیگر، به معنای شکنجه یا آزمودن باشد، بی‌معنا خواهد بود؛ زیرا آزمودن، در این سیاق جایی ندارد و شکنجه نیز، نمی‌تواند از تبعید، کشتار، بستن راه

۱. نساء / ۱۰۱.

۲. آل عمران / ۷.

مسجد الحرام و کفر، بدتر باشد.

دین نیز در این آیات، نمی‌تواند به معنای دیانت باشد؛ زیرا منسوب بودن دین به خداوند روشن است؛ به‌ویژه وقتی با لفظ «کلّ» مقید شده باشد.

از سوی دیگر، آیات دیگری، این برداشت را تأیید می‌کنند: در آیه ۲۹ سوره توبه فرمود: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» و با کسانی که نه به خداوند و نه به روز واپسین باور ندارند و آنچه را که خداوند و فرستاده اش، ناروا می‌شمارند، ناروا نمی‌شمارند و به حکم حق گردن نمی‌نهند، از میان کسانی که اهل کتاب‌اند بجنجید تا فرمان برانه جزیه را پرداخت کنند درحالی‌که سرفرود آورده‌اند».

در آیه یادشده و سایر آیاتی که عبارت «دین الحق» آمده است، واژه دین، نمی‌تواند به معنای دیانت باشد؛ زیرا در این صورت، باید به جای مضاف و مضاف‌الیه، به صورت صفت و موصوف (الدین الحق) می‌آمد؛ جدا از اینکه اهل کتاب، مدعی دیانت حق هستند؛ هرچند که از اصالت دین خود فاصله گرفته باشند.

البته علامه، از این نکته غافل شده و از این عبارت، به «الدین الحق» تعبیر کرده و فلسفه آیه جهاد با اهل کتاب را، وادار کردن آنها به گردن نهادن به دیانت حقیقی دانسته است.^۱

در مورد عبارت «دین القیمه» نیز، در تقدیر بودن واژه «أُمَّت» روشن است؛ زیرا در سایر موارد، تعبیر «الدین القیم» آمده است؛ بنابراین، دیانت، به اُمَّت اضافه شده است و معنای دیانت اُمَّت قیم، دیانت جامعه استوار است.

همچنین در سوره انفال که در مورد غزوه بدر نازل شده است، از دعوت پیام بر به جنگ آغازگرانه، به‌عنوان دعوت به امری یاد شده است که جامعه دینی را زنده و پایدار می‌دارد و از گرفتاری و عواقب ناشی از سرپیچی از این فرمان، برحذر داشته است.^۲

بنابراین، با نزول سوره توبه، جواز قتال آغازگرانه، به صراحت به میان می‌آید و حتی کسانی که با مسلمانان، پیمان دارند، تنها تا پایان مدّت آن، استثنا می‌شوند.^۳

البته چنان که بسیاری از محققان متأخر از فریقین، دریافته‌اند، جواز قتال آغازگرانه، به این معنا نیست که اصل باشد؛ بلکه اصل با صلح و مسالمت است؛ ولی از سوی دیگر، پیام بران، مأمور به تبلیغ دین

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۶۲.

۲. انفال / ۲۴ و ۲۵.

۳. توبه / ۴.

شده‌اند و چنان چه، مردم ایمان بیاورند، حکومت توحیدی، ضرورت می‌یابد. در این صورت، تبلیغ دین با هدف فراگیری آن در سراسر جهان، ادامه پیدا می‌کند و باورمندی و پذیرش آن، امری نیست که اجبارپذیر باشد. بنابراین، تا زمانی که مانعی در تبلیغ دین و گسترش حکومت توحیدی نباشد، اصل با مسالمت و دعوت به راه خداوند از راه موعظه و حکمت است. جنگ آغازگرانه در صورت فراهم بودن زمینه آن، تنها زمانی مطرح می‌شود که کسانی، به‌عنوان رهبران کفر، بخواهند مانع گسترش دین و حکومت توحیدی شوند.^۱

از نظر علامه، تبلیغ دین در مرحله جهاد ابتدایی نیز مشروط به دعوت و اتمام حجت است و آیات جهاد، از تریخ نسبت به این مسئله إبا دارد؛ چه رسد به آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر؛ مگر آنکه از پذیرش آنها ناامیدی حاصل شود، که در این صورت بر جهاد باید استوار بود.^۲

وی مراتب تبلیغ دین را به نقل از کاشف الغطاء، چنین می‌شمارد: ۱. دعوت زبانی؛ ۲. مقاومت مسالمت‌آمیز و برخورد سلبی؛ ۳. جهاد (مبارزه تهاجمی).^۳

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که واژه دین در آیه (۱۹۳) سوره بقره، به‌معنای حکم است و معنای آیه، چنین می‌شود: «و با آنها بجنگید تا توطئه‌ای برای گمراه کردن در کار نباشد و حاکمیت، برای خدا باشد؛ پس اگر دست کشیدند، جز با ستمگران دشمنی نخواهد بود».

در تأیید این معنا از واژه «دین» در این آیه و تعریف جهاد ابتدایی بر اساس لزوم حکومت مطلق الهی بر زمین، می‌توان به آیات دیگری استشهد کرد؛ از جمله، خداوند در سوره بقره آیه ۲۱۳ فرموده است:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ

مردمان، گروه یکتایی بودند؛ خداوند نیز پیامبران را مژده‌رسان و بیم‌گر فرستاد و همراهشان کتاب را بر پایه حق (شایسته)، فرفرستاد تا خود (خداوند)، میان مردم در آنچه دوگانگی پیدا کردند، فرمان براند؛ و دوگانگی نیافتند، جز کسانی که آن (کتاب) به آنها داده شد و از روی سرکشی و پس از رسیدن روشننگری‌ها به ایشان، به دوگانگی پرداختند.

این آیه به صراحت هدف از ارسال رسل و نزول وحی را، حکومت خداوند میان مردم در رفع اختلافات آنان یاد کرده است. پیش از آن نیز در نخستین آیاتی که اذن جهاد قتالی را ابلاغ کرد، به زمینه

۱. ر.ک: مطهری، جهاد و موارد مشروعیت آن در قرآن، ص ۲۸ - ۲۷.

۲. طباطبایی، همان، ج ۶، ص ۱۷۷.

۳. همان، ج ۴، ص ۱۶۳.

جهاد آغازگرانه اشاره شده بود؛ چنان که در آیه ۱۹۱ فرموده بود: «وَأَلْفَيْتَهُ أَشَدُّ مِنْ الْقَتْلِ؛ و توطئه برای گمراه کردن سخت‌تر از کشتن است» و سپس فرمود: «وَوَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ؛ و با آنها بجنگید تا توطئه‌ای برای گمراه کردن در کار نباشد و حکومت برای خداوند باشد».

۲. تعریف برگزیده از مفهوم جهاد ابتدایی در قرآن کریم

جهاد ابتدایی بر پایه داده‌های مسلم قرآنی، «جنگیدن با سران کفر و شرک و یا اهل کتاب و نیروهای تحت فرمان آنها است؛ در صورتی است که مانع دعوت به دین توحید و گسترش حکومت الهی بر جهان شوند و نیز پس از دعوت، بینش‌بخشی و اتمام حجت بر آنان و با رعایت شرایط امان و آتش‌بس موقت صورت گیرد».

نتیجه

۱. تفسیر *المنار*، قائل به جهاد ابتدایی در اصل نیست و جهاد در اسلام را، تنها دفاعی می‌داند و همه اشکال آن اعم از قتالی، غیر قتالی، دفاعی و آغازگرانه را به دفاع از آزادی در دین برمی‌گرداند. بنابراین، تنها در صورتی که کسی سر جنگ داشته باشد، یا مزاحم آزادی مسلمانان در هر جای جهان شود، جهاد قتالی واجب می‌شود. این جهاد، در واقع دفاعی است و شامل پیش‌دستی در برابر دشمن و حتی تهیه سلاح کشتار جمعی نیز می‌شود.

۲. تفسیر *المیزان*، ضمن تصریح به وجود جنگ آغازگرانه در اسلام، آن را حقی برای انسانیت می‌داند که در دفاع از حقی دیگر (یعنی اقامه دین فطری توحید) صورت گرفته است. وی جهاد قتالی آغازگرانه را مایه حیات و ماندگاری جامعه می‌داند؛ بنابراین، جهاد ابتدایی در قرآن مجید از نظر ایشان، دستوری دفاعی برای پاک کردن زمین از آلودگی شرک جلی و بت‌پرستی و شرک خفی در باورهای اهل کتاب است. ایشان بر این باور است که هرچند قرآن کریم، حکم جهاد ابتدایی را به صراحت بیان نکرده است، ولی مؤمنان را از وعده پیرویشان خبر داده است و این وعده، جز با جهاد ابتدایی محقق نمی‌شود.

۳. هر چند علامه، دیدگاه قرآن کریم را درباره جهاد ابتدایی منعکس کرده و چنان که خواهیم دید، در پاسخ به شبهات که موضوع پژوهش بعدی است، واقع بینانه‌تر برخورد کرده است، ولی در اثبات اصل جهاد ابتدایی، نیاز به تتبع بیشتر در قرآن کریم و استدلال قوی‌تری بر اساس نتایج حاصله به نظر رسید که این پژوهش عهده‌دار آن گشت.

۴. بنابر تحقیق، کاربرست «قتال»، از ابتدای عهد مدنی و عام و مطلق بوده است. عمومیت و شمول آن نیز تا پایان عهد مدنی گسترش یافته است؛ ولی مفهوم قتال آغازگرانه، هرچند از ابتدای عهد مدنی و

نزول سوره بقره، زمینه‌سازی شده بود، اما تصریح به آن، در سال هشتم هجری صورت گرفته است. همچنین، حاصل پژوهش، نشان می‌دهد برخلاف نظر هر دو مفسر موضوع این مقاله، «فتنه» در آیات، نظر به غایت جهاد ابتدایی، به‌معنای «توطئه برای گمراه کردن» آمده و واژه «دین» نیز به‌معنای حاکمیت به کار رفته است.

۵. جهاد ابتدایی بر پایه داده‌های مسلم قرآنی، «جنگیدن با سران کفر و شرک و یا اهل کتاب و نیروهای تحت فرمان آنها است؛ در صورتی است که مانع دعوت به دین توحید و گسترش حکومت الهی بر جهان شوند و نیز پس از دعوت، بینش بخشی و اتمام حجت بر آنان و با رعایت شرایط امان و آتش‌بس موقت صورت گیرد».

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن منظور، *لسان العرب*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- خامنه‌ای، سید علی، *ثلاث رسائل فی الجهاد (الأمان و الصابنه و المهادنة)*، تهران، فقه روز، ۱۳۹۷ ش.
- رشیدرضا، محمد بن علی‌رضا، *تفسیر القرآن الحکیم / تفسیر المنار*، القاهرة، الهيئة المصریة العامة للكتاب، ۱۹۹۰ م.
- زحیلی، وهبة، *آثار الحرب (دراسة فقهیة مقارنة)*، بیروت، دار الفکر المعاصر، الطبعة الخامسة، ۱۴۳۴ ق.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله، *شهید جاوید*، تهران، مؤسسه رسا، بی‌تا.
- طباطبائی، سید علی، *ریاض المسائل*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۲ ق.
- طباطبائی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، بی‌تا.
- طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، ج ۲، ۱۳۶۲ ش.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد، *مشروعیت جهاد ابتدایی در قرآن*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام، ۱۳۹۷ ش.
- قرضاوی، یوسف، *دانشنامه جهاد (فقه الجهاد)*، ترجمه محمدابراهیم رودی، تهران، احسان، ۱۳۹۶ ش.
- مطهری، مرتضی، *جهاد و موارد مشروعیت آن در قرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
- مفید، محمد بن محمد، *المقنعة*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- نجارزادگان، فتح‌الله و عبدالمحمد جعفری، *تحلیل و ارزیابی کاربست‌های قرآنی جهاد از دیدگاه دو تفسیر «المنار» و «المیزان»*، ۱۴۰۱ ق. (چاپ نشده).
- یوسفی غروی، محمدهادی، *موسوعة التاریخ الإسلامی*، ج ۳، قم، مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۲۳ ق.